

## بررسی سبک‌های شعر فتوح در اشعار شعرای سرشناس دوره اسلامی تا معاصر

مریم هاشمی\*

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۱۲

رحیم انصاری پور\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۷/۹/۲۷

### چکیده

با گسترش اسلام چه از طریق ترویج فرهنگی و چه از طریق نبردها و جنگ‌های توسعه‌طلبانه؛ می‌توان به نفوذ هرچه بیش‌تر اسلام از یک سو و از سویی دیگر رویکرد جدید فرهنگی در بین ادبا، نویسندگان، مورخان و شعرا در زمینه تحولات اجتماعی اشاره داشت. از جمله بخش‌های ادبی که تحت تأثیر تحولات اجتماعی و سیاسی دوره خود قرار داشته حوزه شعر بوده است. در این دوره شعرای بسیاری بودند، از قبیل اخطل، فرزدق، و جریر در دوره امویان و متنبی و ابوتمام، که با توصیف و شرح فتوحات در قالب جنگاوری و تدبیر فرماندهان و لشکریان افتخار پیروزی‌ها را به خلفا نسبت می‌دادند، و در بیش‌تر این اشعار اشاره‌های مستقیم و غیر مستقیم به خلیفه و تبریک به او وجود دارد.

**کلیدواژه‌گان:** نبرد، خلیفه، جزیه، شعر فتوح، اخطل، متنبی.

---

\* دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عرب دانشگاه آزاد ایلام، ایران.

raheemansaripour@yahoo.com

\*\* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، ایران.

نویسنده مسئول: رحیم انصاری پور

## مقدمه

با پیروزی اسلام در شبه جزیره عربستان انگیزه برای سرودن شعر ضعیف شد و به جای آن تلاوت قرآن کریم و بحث در مورد فصاحت و بلاغت کتاب آسمانی رواج یافت. در دوران جاهلیت از تعلقات سبک ادبی مضامینی مربوط به ترک یار و دیار و توصیف اسب و شمشیر و تفاخر به قبیله بوده اما با بعثت پیامبر اکرم(ص) و نزول قرآن کریم و تغییر فکر و فرهنگ مردم، شعر و نثر و خطابه نیز تغییر کرد.

در این دوره پدیده‌ای تازه با عنوان ادبیات اسلامی به وجود آمد. قرآن کریم بزرگ‌ترین شاهکار ادبی است که دارای فصاحت و بلاغت بود و تحسین سخن‌سرایان و سخن‌شناسان را برانگیخت و سخنان پیامبر(ص) با مضامین جدیدی که داشت مورد توجه قرار گرفت و شعر و سخن در خدمت پیشبرد اسلام و ارزش‌های آن قرار گرفت. علامه مجلسی، کعب بن مالک، حسان بن ثابت، عبدالله بن رواحه، نابغه جعدی، کعب بن زهیر، قیس بن زهیر، قیس بن عوف، قیس بن بحر، عبدالله بن حرب، ابودهبل حجمی و بحر بن ابی سلیمی را به عنوان شاعران پیامبر(ص) نام می‌برد.

تا زمان خلافت امام علی(ع) مضامین ادبی بیش‌تر در نعت پیامبر(ص) و در تفاخر به اسلام و فتوحات پی در پی مسلمانان و نیز درباره اهل رده و کسانی که از اسلام برگشته بودند. اما پس از خلافت امام علی(ع) به جهت درگیری‌ها میان امت اسلامی و جنگ‌های داخلی شعر و نثر و خطابه حال و هوای دیگری پیدا کرد. شاهکار ادبی در این عصر نهج البلاغه است(سلام، ۱۹۹۴: ۱۷۵).

در دوران خلفای راشدین چون مسلمانان مشغول تأسیس دولت و فتوحات و کارهای مملکتی بودند برای گفت و شنود درباره شعر کم‌تر مجال می‌یافتند. در نیمه آخر دوره خلافت عثمانی آتش انقلاب کم کم زبانه کشید و اختلافات به وجود آمد. بنابراین در بین مردم دوباره تفرقه شد و بعد از قتل عثمان این اختلافات به اوج خود رسید.

بنی امیه که در صدر آنان معاویه بود به مخالفت با امامان برخاستند و در بین این آشوب‌ها دوباره شاعران ظاهر شدند. گروهی از شاعران از بنی هاشم طرفداری می‌کردند و گروهی دیگر از بنی امیه حمایت می‌کردند و در فرقه‌های دیگر مثل خوارج و زبیریان هم شاعرانی ظهور کردند(جرجی، ۱۴۱۴: ۱۲).

پس از شهادت امام علی(ع) و روی کار آمدن معاویه و غلبه شام بر عراق از نو بازار شعرهای مدحی و هجایی رونق یافته است. برخی از شاعران در حکومت امویان بودند که خود را به دربار شام بستند و آن‌ها را ستایش و مخالفان را نکوهش کردند. از جمله این شاعران می‌توان کعب بن جعیل، متوکل لیشی، عبدالله بن همام سلولی، ابوالعباس اعمی، مسکین دارمی، اخطل، عدی بن رقاع و ... را نام برد.

کعب بن جعیل چنین می‌سراید:

أری الشام تکره ملک العراق      وأهل العراق لهم کارهونا  
وقالوا علی إمام أنا فقلنا      رضینا إبن هند رضینا  
(ابن کثیر، ۲۰۰۷: ۲۶۱)

- می‌بینم شام عراق را ناخوش می‌دارد و عراقیان شامیان را

- عراقی‌ها گفتند علی امام ماست ما گفتیم به پسر هند خشنودیم

در این دوره به نثر توجهی نمی‌شود و بیش‌تر آثار ادبی شعر بوده است. بنی امیه سعی می‌کردند شاعران را به سوی خود جلب کنند و بین شاعران رقابت و اختلاف می‌انداختند تا از یک سو این خاندان را مدح کنند و از سوی دیگر یکدیگر را هجو کنند. از شاعران این دوره نسبت به یکدیگر هجاهای شگفت‌انگیزی بر جای مانده است. دشمنی شاعران با هم باعث شد که شعر نقائص به وجود آید. نقائص اشعاری است که شاعر با قصیده خود معانی قصیده دشمن را نقض و فخر دشمن را به هجو برمی‌گرداند و فخر واقعی را به خود نسبت می‌دهد، و نقیضه در همان وزن و قافیه قصیده دشمن است. در دوره عباسی به علت اینکه هواداران شعر در این دوره توسط وزیران و درباریان تشویق می‌شدند شعر به شدت شکوفا شد. آنان برای شعر بذل و بخشش فراوان می‌کردند تا آنجا که برخی امیران و خلفای عباسی مانند ابن‌المعتز به عنوان معروف‌ترین شاعران دوره خود شناخته شدند. شاعران به دربار امیران قدرتمند مثل سیف الدوله همدانی روی می‌آوردند متنبری یکی از شاعران دربار سیف الدوله بود که به سبب اختلاف از او جدا شد و نزد کافور الاخشیدی در مصر رفت و سپس نزد عضد الدوله بن بویه رفت. آنگاه به سوی بغداد و سپس کوفه رفت اما در جنگی که رخ داد همراه پسرش کشته شد(دینوری، ۱۳۸۰: ۴۰۳).

پیشرفت و تمدن با شعر عربی نیز همراه شد به طوری که شاعران توصیف‌های زیبایی درباره کاخ‌های بزرگ بر جای گذاشته‌اند. مثل *البحتری* که بسیاری از پدیده‌های تمدن آن دوره را توصیف کرده است. گروه جدیدی از شاعران راوی که به شاعران تولیدگر معروف شدند با بارزترین راویان شعر و اخبار از ابتدای قرن دوم هم دوره بودند اما توجه آنان را نتوانستند به خود جلب کنند به همین دلیل به گردآوری شعر جدید پرداختند. مثل *ابوبکر الصولی، الحسن ابن بشر الأمدی، ابوالحسن الجرجانی، یحیی بن علی تبریزی، ابن حجمی و ابن خالویه*.

مکتب جدید عباسی در برابر شعر قدیم کوشش بسیار کرد و یکی از دوران درخشان اسلامی گردید. سیر جدید شعر و ادب اسلامی از *ابن قتیبه* شروع و تا *الحصری و ابن اثیر* ادامه یافت. شعر سیاسی و مفاخره نیز تنزل یافت و به جای آن شعر فلسفی، صوفی‌گرایانه، آموزشی و شعر تغزلی رونق یافت. شاعران نیز به محسنات بدیع و صناعات شعری توجه بیش‌تری مبذول کردند و شاعران بادیه نشین به شاعران شهرنشین رفاه زده تبدیل و عبارت‌های نرم و وزن‌های کوتاه و ترانه سرایی معمول شد.

### پیشینه تحقیق

مقالات و کتاب‌های بسیاری در مورد عصر اسلامی و اموی و عباسی در زمینه‌های مختلف ادبی و تاریخی نوشته شده است و هر یک از این مقالات ویژگی‌های مهم هر دوره را مورد مطالعه و بررسی قرار داده است. از جمله این مقالات که می‌توان نام برد «فن الخطابة فی ضوء الحیاة الاجتماعية فی العصر الاموی» (الخطبة البتراء لزیاد بن ابیه نموذجا) این مقاله توسط عیسی متقی زاده در مجله فصلنامه دراسات الأدب المعاصر به چاپ رسیده است، و نویسنده به تأثیر فن خطابه در جهت تهذیب اخلاق پرداخته است. مقاله‌ای دیگر با عنوان «دراسة حول قضية ضعف الشعر الاسلامی» که توسط حسن سرباز در مجله دراسات فی العلوم الانسانية به چاپ رسیده است. در این مقاله نویسنده به این نتیجه رسیده که اسلام نه با فن شعر سر جنگ داشته و نه با شاعران از این جهت که شعر سروده‌اند. بلکه با شیوه بعضی شاعران که موازین عفت را رعایت نکرده‌اند مخالفت کرده است.

از تحقیقاتی که می‌توان در مورد شعر عربی نام برد تحقیقات عبد/الله محمد(۱۹۱۲) در باب شعر عربی که با توصیفی از مترجم درباره مؤلف و حوزه کار او آغاز می‌شود. تحقیقات محمد در مورد شعر در صدر اسلام و رکود آن و سرزنش کردن شعرای بی ایمان در آیات ۲۲۴ و ۲۲۷ سوره الشعرا است. تحقیقات جرجی زیدان در باب تاریخ اسلام است.

اما در مورد شعر فتوح تا کنون مقاله‌ای به چاپ نرسیده است هرچند در برخی از کتاب‌های تاریخی مطالبی در مورد آن و برخی از شاعران این نوع شعر سخنانی ایراد شده اما به شکل ویژه و دقیق به آن نپرداخته‌اند، و تا کنون کتابی در این مورد منتشر نشده است.

در این مقاله با توجه به آنکه تا کنون تحقیقات مشابهی در زمینه تصویر جنگ و ابعاد اسطوره‌ای آن در اشعار عرب جاهلی صورت نگرفته محقق درصد بزرگی این موضوع است.

### شعر فتوح

این شعر از انواع شعر غنایی می‌باشد که شاعران در هنگام مبارزه با دشمنان و در میدان جنگ به دلاوری‌های خود و سپاهشان فخر می‌فروشدند. شعر فتوح ارتباطی تنگاتنگ با جهاد و مبارزه دارد به طوری که مفاهیم فخر و قدرت نمایی در وجود شاعران مجاهد ایفا کرد و زبان شاعران را در میدان جنگ همگام با جنگاوران به سرایش شعر واداشت. ایجاز از مشخصه‌های بارز شعر فتوح است و بیش‌تر آن به شکل قطعه‌های کوتاه سروده شده است که شاعر فی البداهه و بدون تعمق در اندیشه شعری و تنقیح و بازسازی آن را می‌سراید(جوزیه، ۱۳۹۸: ۲۱۲).

شعر در زمان جاهلی با مضامین جنگی در میان شاعران هم وجود داشته است مثل جنگ‌های قبیله‌ای در میان اعراب جاهلی که شاعر به مدح قبیله خود پرداخت. مثلاً

سموأل بن عادیا می‌گوید:

إذا ما رأته عامر وسلول

وإنا لقوم ما نرى القتل سبّة

ولا ظل منا حيث كان قتيلاً

وما مات منا سيد حتف أنفه

تسیل علی حد الظبات نفوسنا      ولیست علی عیر الظبات تسیل  
- ما از قومی هستیم که کشته شدن را عیب و عار به شمار نمی‌آوریم، آنگاه که دو  
قبیله عامر و سلول آن را عیب می‌دانند  
- هیچ سروری از قوم ما به مرگ طبیعی از دنیا نرفته است  
- خون‌های ما فقط از لبه نیزه‌ها جاری می‌شود و غیر از لبه شمشیر خون ما جاری  
نمی‌شود(همیشه در میدان جنگ کشته می‌شویم)  
شاعر در این ابیات جنگ آوری، شجاعت و بی‌باکی قوم خود را توصیف کرده و به  
هجو قبایل دیگر می‌پردازد و غیر مستقیم آن‌ها را به ترسویی و بزدلی متهم می‌کند.  
اما شعر فتوح به معنای واقعی کلمه را می‌توان در صدر اسلام بعد از اینکه عرب برای  
جهاد در راه خدا و جنگ با رومیان و ایرانیان از سرزمین خود خارج شدند جست‌وجو  
کرد. در اثنای این جنگ‌ها شعرهای حماسی می‌سرودند که در آن به پیروزی‌هایشان  
افتخار می‌کردند و شجاعت خویش را می‌ستودند، و از هر کاری برای رضای خدا و توسعه  
دین اسلام انجام می‌شد دریغ نمی‌کردند. مثلاً عمرو بن معدی کرب یکی از پهلوانان  
عرب که با ظهور اسلام مسلمان شد در جنگ قادسیه با ایرانیان حضور داشت و در ابیاتی  
رویارویی خود با رستم فرخ زاد را که یکی از فرماندهان سپاه ایرانی بود به تصویر کشیده  
است. از ویژگی‌های شعر فتوح ایجاز و سادگی واژه‌ها و عبارات است و اینکه شاعر به  
دلیل حضور در میدان جنگ از خیالی ضعیف و فقط در جهت تحریک خود و یاران خود  
ابیاتی موزون را بر زبان می‌آورد که از روحیه جنگاوری او حکایت دارد(هدایت، ۱۳۸۸: ۲).

### شعر حماسه

حماسه در لغت از ریشه «حَمَس» به معنی شدت در کار گرفته شده است و در  
اصطلاح ادبی از کهن‌ترین انواع ادبیات به شمار می‌رود. حماسه در واقع یکی از زیر  
شاخه‌های ادبیات شعری است که ممکن است. حماسه یکی از مهم‌ترین انواع شعری  
ادبی است که از دورانی که ملتی در راه دست یافتن به شکوه و تمدن گام نهاده سخن  
می‌گوید، و یکی از فنون شعری است که ماهیت و صفات آن مختص حماسه است و  
حماسه هم در شعر است و هم در نثر. شعر حماسه وقایع و جزئیات موجود در جنگ‌ها و

لشکرکشی‌ها را به نمایش می‌گذارد و جنگ میان دو قبیله، دو کشور و یا دو ملت و حتی دو شخص را ثبت می‌کند.

از ویژگی‌های شعر حماسی می‌توان به فخر به آبا و اجداد، هنر سوارکاری، شجاعت، رثا شخصیات موجود در جنگ، وصف صحنه‌های نبرد، هجو دشمنانی که از صحنه جنگ فرار کرده‌اند اشاره کرد. ولی شعر حماسی استقلال ندارد و به شکل ابیاتی در اثنای قصیده‌ای که غرض خاص همچون مدح، رثا، هجا و... سروده می‌شود؛ و ما شاهد چنین شعری در غزل هم می‌باشیم آنجا که عنتره غزل را با صحنه نبرد در هم می‌آمیزد و در خلال غزل به وصف شجاعت و جنگاوری خود می‌پردازد (ابن اثیر، ۱۴۱۳: ۳).

شعر حماسی دارای ارکانی است از قبیل قهرمان، دین، شگفتی، عنصر موضوعی، عنصر داستانی، شکل مردم، اصل تاریخ و شعر حماسی به دو نوع حماسه طبیعی و حماسه مصنوعی تقسیم می‌شود. حماسه طبیعی در دوران طفولیت از تاریخ ملت‌ها شکل گرفته و مؤلفان مشخصی ندارد و تمامی نسل‌ها تدوین کننده آن می‌باشند (بدیع یعقوب، ۱۹۱۱: ۳۵). حماسه مصنوعی هم تقلیدی از حماسه طبیعی است و موضوع شیوه خود را از حماسه مصنوعی وام می‌گیرد.

اینگونه حماسه در حقیقت بازآفرینی حماسه است نه آفرینش و حماسه به دو نوع حماسه ادبی و حماسه ملی هم تقسیم می‌شود. در حماسه ادبی شاعر در آغاز از موضوع خویش سخن می‌گوید سپس به این داستان و رخدادهای شگرف آن می‌پردازد. اما حماسه ملی در یک زمان و توسط یک فرد به عنوان شاعر سروده نشده بلکه این داستان‌ها به شیوه نقل و روایتی به ما رسیده است.

### شاعران معروف عصر اموی

اخطل (۷۱۰-۶۴۰)

ابو مالک غیاث بن صلت تغلبی بن طارق دارای قبیله نیرومندی که از عربستان مرکزی بیرون آمده بود و در نواحی آباد بین النهرین ساکن شده بودند. دین آن‌ها نصرانی و دارای اسقفی بودند که همان جرجیس نویسنده معروف سریانی بود. *اخطل* احتمالاً در رصافه یا حیره متولد شده است. مادرش *لیلا* از قبیله مسیحی ایاد که در

کودکی او را از دست داده بود. نامادری داشت که با *اخطل* رفتار ناخوشایند داشت و همین بی‌مهری نامادری و رنج‌های کودک نابغه باعث ظهور نخستین بارقه‌های نبوغ و شاعری در هجای آن زن گردید و وی ابیات هجوآمیز خود را در خطاب به همسر پدرش خواند. گفته‌اند که روزی وارد مجلسی شد که بنی مالک که تیره‌ای از تغلب که *اخطل* از آنان بود در آنجا حضور داشتند، و آن‌ها برایش خیمه‌ای بر پا کردند و هدایایی به وی پیشکش کردند اما *اخطل* که هنوز کودک بود با او به گستاخی رفتار کرد و کعب عصبانی شد، و او را کودکی بی‌خرد خواند. *اخطل* نیز ابیاتی گزنده و استوار در هجای او سرود و این امر باعث شد که نام وی در میان قبیله بر سرزبان‌ها افتد (سیوطی، ج ۴۳: ۲). او معروف‌ترین مداح بنی امیه است و اسلوب‌اش در مدح همان اسلوب شاعران جاهلی است. قصاید را با تغزل آغاز و سپس به ذکر صفات ممدوح یا صفات قوم او گریز می‌زند. مدایح‌اش بیش‌تر در نشر دعوت بنی امیه و بیان فضایل و توجیه اعمال آن‌هاست. وی بنی امیه را سزاوار خلافت می‌داند.

### مضمون اشعار اخطل

*اخطل* شاعری بدوی است که زندگی خود را وقف به آرمان‌های قبیله‌ای کرده است. موضوع اشعار وی را بیش‌تر مدح حامیان قبیله و هجو دشمنان تشکیل می‌دهد. شاعر به جنگ‌ها و برادرکشی‌های مسلمانان آلوده شد و قبیله او جانب امویان را گرفت. *اخطل* در اشعار خود به ستایش دلاوری‌ها و پیروزی‌های آنان پرداخت. اشعار *اخطل* به دلیل اینکه با مسائل قومی و قبیله‌ای ارتباط دارد. از لحاظ تاریخی و بررسی اوضاع سیاسی آن روزگار بسیار سودمند است.

اشعار *اخطل* حاوی بعضی نکات پندآمیز است از آن جمله است: «توجه مردم به همین دنیا و زندگی در آن است، در حالی که دراز عمری جز بدبختی و سبک مغزی به بار نمی‌آورد و هر گاه که نیازمند اندوخته‌ای شدی بدان که گنجینه‌ای مانند کارهای نیک خواهی یافت» (الرزکلی، ج ۵: ۳۱۸).

*اخطل* بنی امیه را با قصاید شیوایی ستوده است. وی قصیده‌ای در مدح *عبدالملک مروان* سروده که از درخشان‌ترین سروده‌های او درباره بنی امیه است. در مدح *حجاج بن*



یوسف حاکم بصره نیز اشعاری سروده است. به روایتی چون شهرت *اخطل* بر سر زبان‌ها افتاد *حجاج* از *خلیفه عبدالملک* خواست تا شاعر را نزد وی فرستد. خلیفه هزار درهم به *اخطل* داد و او را به همراه فرزند خود روانه بصره کرد. اما اختلافاتی بین دو قبیله قیس و تغلب به اوج رسید و منجر به جنگ‌های خونین شد. *اخطل* به سوی قبیله خود شتافت تا مانند شاعران کهن، به زبان شعر جنگاوران را یاری دهد. از آن پس در شرح دلاوری‌ها و سلحشوری‌های قبیله تغلب و نکوهش قبیله قیس اشعار بسیاری سرود که امروزه بخش عظیمی از دیوان وی را تشکیل می‌دهد و از لحاظ تاریخی دارای اهمیت فراوان است.

قبیله تغلب بسیاری از پیروزی‌های خود را مدیون قصاید حماسی وی بود. اما گاهی اشعار او زبان‌های جبران ناپذیری نیز برای قبیله به همراه داشت. مثلاً ممکن بود شاعر با خواندن قطعه شعری، کینه‌های دیرینه را در دل‌ها زنده کند و نبردها را شدت بخشد، یا حتی جنگی تازه را برافروزد. چنانچه به گفته منابع کهن، جنگ بشر را در واقع او به راه انداخت (به وایت بلاذری: ۲۸-۳۱).

پس از اینکه *اخطل* در حضور *عبدالملک*، یکی از سران قبیله قیس به نام *جحاف* را هجو کرد *جحاف* چندی بعد با ۳۰۰ تن از افراد قبیله خود به سوی قبیله *اخطل* تاخت و گروه بسیاری را به قتل رساند. در آغاز *اخطل* اسیر شد اما چون لباسی ژنده بر تن داشت او را نشناختند و به گمان اینکه از برده‌ها است او را آزاد کردند. *اخطل* تا پایان جنگ خود را در چاهی مخفی کرد و جان سالم به در برد. گفته می‌شود پدر یا فرزندش *ابوغیاث* در این جنگ به قتل رسید. پس از این ماجرا *اخطل* به سوی *خلیفه عبدالملک* رفت و در قصیده‌ای به شرح واقعه پرداخت و خواست تا *جحاف* را مجازات کنند (ابن قتیبه، ۱۴۱۰: ۹۶).

سرانجام اختلافات دو قبیله قیس و تغلب با میانجی‌گری *عبدالملک* پایان یافت و *اخطل* به عرصه سیاست بازگشت و به مدح امویان و کارگزاران آن‌ها پرداخت.

وصیروا الأبرج العلیا مرتبه	ما کان منقلبا أو غیر منقلب
لو بیت قط قبل موقعه	لم تخف ما حلّ بالأوثان والصلب
فتح الفتوح تعالی أن یحیط به نـ	ظم من الشعر أو نثر من الخطب
فتح تفتح ابواب السماء له	وتبرز الارض فی أئوابها القشب

- مرتبه رفیع او روی برج‌های عالی سیر می‌کند و هیچ چیز نمی‌تواند حال وی را منقلب کند
- نمی‌توان قبل از اجرا امر وی را متوقف کرد حتی با فولاد امر وی متوقف نمی‌شود
- فتح و پیروزی بزرگ را به وی نسبت می‌دهند شعر و نثر از بیان وی عاجز است
- پیروزی در نبردها ابواب آسمان را بر وی گشوده و زمین از حمل وی عاجز است

### جریر (۱۱۴-۳۰ هجری)

نخستین بارقه‌های نبوغ شاعری از همان کودکی در وی ظاهر و بنا به روایات نیمه افسانه‌ای، نخستین ابیات هجوآمیز خود را در دفاع از حقوق قبیله و در پاسخ به اشعار *غسان بن ذهیل سلیطی* سرود. در میان شعرای صدر اسلام نام سه نفر در منابع آمده که هم‌عصر بودند و در شعر و شاعری با یکدیگر رقابت داشتند. *جریر بن عطیه*، *فرزدق* و *اخطل*، که بسیاری معتقدند *جریر* نسبت به دو نفر دیگر شاعرتر و باذوق‌تر بوده است (سیوطی، ۱۴۱۴: ۵۱۸).

اشعار او به حدی در میان مردم محبوبیت داشت که در برخی مسائل تاریخی به اشعار او اسناد داده می‌شد مثلاً در «تاریخ طبری» در جریان نسب‌شناسی *کیومرث* آمده است که او از نسل *اسحاق نبی* و از فرزندان *ابراهیم پیامبر(ع)* است؛ و برای علت سخنانشان اشعار *جریر* را شاهد می‌آورند: «*و پسران اسحاق شیران نر*» و... لذا با بیان این اشعار به انتساب ایرانیان بر یمنیان تفاخر می‌کردند و ایرانیان خود را نسل *ابراهیم نبی(ع)* می‌دانستند. (ابن سعد، ۱۳۷۴: ۲۴۴).

در مورد اشعارش آمده است که وی به چند سبک شعر می‌گفت و برخی اشعار طولانی و قصیده نیز از او نقل شده است. با این حال او بیش‌تر در غزل معروف است. او بزرگ‌ترین شاعر غزل‌سرا در میان مردم است. از جمله اشعار معروف او شعری بود که در *مرگ زبیر بن عوام* گفت: «*مصیبت بزرگ مصیبت کسی است که گور او در وادی السباع و کشتارگاه اوست، چون خبر مرگ زبیر رسید باروهای مدینه و کوه‌ها به زانو درآمدند و فرو ریختند، دختران زبیر در ماتم گریستند ولی گریه بر کسی که آن را نمی‌شنود بازتابی ندارد*» (ابوعبیده، ۱۹۰۵: ۳۳).

یا ام عمرو جزاک الله مغفرة  
لقد کتمت الهوی حتی تهمنینی  
ردی فؤادی مثلما کاننا  
لا أستطیع لهذا الحب کتماننا

- ای مادر عمرو خدا جزای زیادی به تو بدهد بخشش افرادی مثل من را رد کردی  
- این هوی را نمی‌وان کتمان کرد من نمی‌توانم این عشق را کتمان نمایم  
از جمله سبک‌های معروف جریر در اشعارش، هجو کردن دیگران بوده است. او *اخطل*  
و فرزدق را در اشعارش هجو کرد. در دیوان‌اش قصیده‌ای است در هجو *اخطل* شاعر  
همروزگار او که در بیتی از آن *اخطل* را که از قبیله تغلب بوده نکوهش کرده است که  
قبیله او جزیه نوروز را پرداخته‌اند.

عجبت لفخر التغلبی وتغلب  
تودى جزى التیروز خضعها رقابها  
(ابوعبیده ۱۹۰۵: ۳۳)

- من در شگفتم از خودستایی کسی که از قبیله تغلب است با اینکه تغلب با  
سرافکنندگی جزیه نوروز می‌پردازد  
شهرت جریر در هجا می‌باشد. هجای او دردآور و تلخ است و مانند دیگر شاعران هم  
عصرش از اسلوب شاعران جاهلی پیروی می‌کرد. وی در هجا مفاخر خویش را به رخ  
حریف می‌کشاند و از فخر به عنوان اهرمی برای تحقیر استفاده می‌کرد.

### فرزدق (۱۱۴-۲۱ هجری)

فرزدق از شعرای بزرگ عصر اموی محسوب می‌شد. بدوی بودن وی، حضور وی در  
افصح قبایل عرب و تیزهوشی او در پاسخگویی، بستر مناسبی جهت شکوفایی ذوق  
شعری وی فراهم آورد. معروف است که اگر شعر فرزدق نبود، ثلث لغت عرب از دست  
می‌رفت و نیمی از روایات و اخبار نابود می‌شد.

در کنار او دو شاعر دیگر یعنی جریر و *اخطل* نیز از متقدمان شعرای اسلام محسوب  
می‌شوند که در برتری آن‌ها اختلاف وجود دارد. فرزدق را به زهیر بن ابی سلمی که از  
شعرای طبقه اول عصر جاهلی بود، تشبیه می‌کنند (راوندی، ۱۳۸۲: ۱۵۷).

ذوق شاعرانه فرزدق بیش‌تر با هجو تناسب داشت و محتوای بیش‌تر اشعار او در قالب  
هجو و یا فخر قبیلگی سروده شده است. ساختار ذهنی فرزدق بر مبنای نگاه عرب به

نظام قبیلگی و طایفه‌ای استوار است. نمونه مشهور آن اشعار هجوی است که میان او و جریر رد و بدل شده است. او به عنوان اینکه جزء خاندان تمیم است بر جریر سرافرازی می‌کرد و هر یک از این دو رسوایی‌های شاخه دیگر را برمی‌شمردند.

مدح اهل بیت(ع) و مدح و ذم فراوان خاندان اموی از شاخصه‌های دیگر شعر او محسوب می‌شود. از وی دیوان شعری به جا مانده است. او نیز همانند دیگر رقیبان‌اش در موضوعات مختلف ادبی قدرت شعری‌اش را به خصوص در هجا و فخر بروز می‌داد. وی هجا را با فخر آغاز می‌کند و همواره از بالا بر خصم خود حمله می‌کند. از این رو گفته‌اند که فرززدق چون هجو کند اعتلا جوید.

به رسمیت شناختن فرززدق به عنوان یکی از شعرای عصر اموی، نشان‌دهنده حضورش در دستگاه خلافت و حمایت معنوی آنان بوده است. وی در دربار خلفای اموی از جمله ولید، سلیمان، عمر بن عبدالعزیز و... حضور داشت و در تأیید جایگاه و مقام خلیفه‌اللهی آنان اشعاری سروده است. درباره سلیمان بن عبدالملک گفت:

به امن الله البلاد فساکن  
بکل طربید لیلها ونهارها

- با امنیت الهی بلاد امنیت گرفته هم شب‌ها و هم روزها اینگونه است

فرززدق را نمی‌توان شاعر درباری محض دانست. وی در مقابل رفتار برخی از امرای عرب که خلاف مبانی اسلام رفتار می‌کردند نیز اشعاری به هجو سروده است. هجو زیاد /بن ابیه و معاویه از این جمله‌اند. وی خالد را به جهت خراب کردن مناره‌های مساجد هجو نمود و حجاج را به جهت طغیان و سرکشی مورد هجو و مذمت قرار داد. البته هجو برخی از امرای نیز به دستور خلفای اموی صورت می‌گرفت(الذهبی، ۱۴۱۳: ۲۰۲).

نقل است به فرززدق گفته شد حجاج را تا آن زمان که زنده بود مدح می‌کردی، چون مرد او را هجو کردی؟ وی در پاسخ گفت: «ما تا زمانی که خداوند با آن‌هاست با آنان هستیم، وقتی خدا آن‌ها را ترک کرد ما هم آن‌ها را ترک می‌کنیم».

### عمر بن ابی ربیع(۹۳-۲۳ هجری)

وی از شاعران غزل‌سرای عرب است که تنها برای زنان شعر می‌سرود و ستایش‌گر پاکباز زیبایی بود. او از میان شاعران گذشته مانند امرؤالقیس است و از جهت رقت کلام

می‌توان نزار قبانی شاعر معاصر را با او همانند دانست. استقلال شعر غزل از اشعار مجونی او شکل گرفت زیرا وی تمام قصیده را مستقلاً به غزل اختصاص می‌داد.

المطر: سقى واردات، والقیب ولعلعا ملث سماکی مهضبة أیها  
فخر علی الخبتین خبتی عنیزة فذات النقع فانتحی وتصوبا  
فلما تدلی طمیة وأبست به ریح الصبا فتحلبا  
الفرس: قد أشهد الغادة الشعواء تحملنی جرداء معروفة اللحیین سرحوب  
كأن صاحبها، إذ قام یلجمها فغذ علی بكرة زوراء منصوب  
إذا تبصرها الراؤون مقبلة لاحت لهم عزة منها وتجب  
وقا منها ضرم وجریها جذم ولحمها زیم والبطن مقبوب

### توصیف جنگ و فتوح در قبایل در شعر عمر بن ابی ربیعہ

از میان شاعران مطرح در توصیف جنگ و فتوحان، عمر بن ابی ربیعہ را می‌توان برجسته‌ترین شاعر حماسه‌سرا دانست. وی به دو فن شعری غزل و حماسه شهرت دارد. حماسه‌هایش دارای دو بخش است: بخش نخست، بیان رخدادهایی است که در زندگی شخصی او رخ داده است. همانند اینکه کشته‌ها در جنگ‌های مسلمین با کفار سخن گویند. بخش دوم از حماسه‌ها و فتوحات در جنگ با قبایل داخلی سخن گفته است. وی در قصاید حماسی‌اش از شجاعت، قدرت، دلاوری و کشتن دشمنان اسلام بسیار سخن می‌گوید.

### شاعران دوره عباسی

بزرگ‌ترین شاعران کسانی بودند که موفق شدند ندایی از شخصیت خویش به گوش‌ها برسانند. مثلاً متنبی (متوفی در ۳۵۴ هجری)، ابو فراس (متوفی در ۳۵۷ هجری) که از سلسله حمدانیان و شاعری ساده گوی و پر تأثیر بود و هنر خود را بیش‌تر در اشعار معروف به «رومیات» آشکار کرده و از روح انسانی سرشار است و طی دورانی که شاعر در قسطنطنیه اسیر بوده سروده شده است. ابوالعلاء المعری (متوفی در ۴۴۹ هجری)، الشریف الرضی (متوفی در ۴۰۵ هجری)، طغریبی (متوفی در ۵۱۵ هجری) که به سبب

قصیده‌ای با قافیه لام به نام «لامیة العجم» شهرت یافته، *ابن فارض* (متوفی در ۶۳۳ هجری)، *بهاء الدین زهیر* (متوفی ۶۵۶ هجری) و گروهی دیگر. اشعار حماسی در شعر شاعران بزرگ این دوره یعنی *ابوتمام*، *بحتری*، *متنبی* و *ابوفراس حمدانی* درونمایه‌هایی همچون وصف، فخر، مدح، رثا و هجو دارند. از خصوصیات آن‌ها می‌توان به وصف درون‌گرایانه، پیچیدگی، گرایش‌های فلسفی، معانی جدید و کثرت فواید تاریخی اشاره نمود. از جمله ویژگی سبک شعر حماسی در این دوره واژه‌های کهن و غریب، تشابه لفظی، اوزانی با نغمه‌های کوبنده و قافیه‌ها و روی‌های خشن، احساسات ملی‌گرایانه و مذهبی، غلو و مبالغه و کاربرد انواع تأکید است (کحاله، ۱۹۹۰: ۲۲۴).

### متنبی

*احمد بن حسین بن حسن بن عبدالصمد الجعفی الکندی الکوفی* المعروف *بالمتمنبی* شاعری مشهور و زبردست است. در عرب تقریباً نظیر سعدی (در فارسی زبانان) است و سعدی هم از او خیلی استفاده کرده تا آنجا که کتابی به نام «سعدی و متمنبی» نوشته‌اند. محل تولدش در محله کنده کوفه به سال ۳۰۳ هجری بوده است و *ابن خلکان* می‌گوید نام و نسب او را *احمد بن حسین بن مره بن عبدالجبار* نیز گفته‌اند. وی علوم ادبیه را در وطن خویش آموخت.

متنبی متوفی در ۳۵۴ هجری شاعری از طراز سنتی است. اما با اکثر شاعران اختلاف دارد و *لوئی ماسینیون* «ضربه مضراب» نامیده و مخصوص متمنبی است. آثار شاعرانه‌اش علی‌رغم همه معایب، آهنگ شخصی کاملاً آشکاری دارد و شاید بیش از هر اثر دیگری، در تکوین ذوق ادبی نزد تازیان سهیم بوده است.

*ابن خلکان* می‌گوید: «یکی از مشایخ که من از او دانش فرا گرفته‌ام مرا گفت که بر دیوان متمنبی چهل شرح مطول و مختصر هست و نسبت به هیچ دیوانی این عنایت نشده است و او شاعری نیک بخت بود و از شعر خود به سعادت تمام رسید و از جمله شراح دیوان او *ابن جنی* و *ابن سیده* و *ابوالعلاء* و *واحدی* می‌باشند» (الادب، ۱۹۸۳: ۲۶۷).

متن‌بی در یکی از اشعار خود به توصیف حماسه سوارکاران عرب، از جمله بشر بن ربیعہ خثعمی پرداخته است که در شعرش درگیری‌های خود و قوم‌اش را در جنگ قادسیه به تصویر می‌کشد.

وسعد بن وقاص علی امیر	أنخت بباب القادسیه ناقتی
بباب قدیس والمکر ضریر	تذکر- هداک الله- وقع سیوفنا
یعار جناحی طائر فیطیر	عشیة ودة القوم لو أن بعضهم

### ابوفراس

شعرش مزایا و ویژگی‌های متعددی را در خود جمع کرده است. وی شخصیت برازنده‌ای داشت و سروده‌هایش در اسارت (رومیات) و همچنین اشعار وی در مدح اهل بیت (ع) / ابوفراس را در جهان اسلام شاخص و سرآمد ساخته است. نخستین آثار ابوفراس یکی شامل قصائدی به سبک قدماست که در آن‌ها شرافت نسب و حسب و مبارزات خود را می‌ستاید، و یا در آن‌ها به خود فخر می‌کند و دیگر اشعار کوتاه‌تر در عشق و اخوانیات به سبک شاعران عراق. دسته اول به سبب صداقت و نیروی طبیعی‌شان شایان توجه‌اند و رقیب نیرومند ابوفراس در دربار سیف الدوله یعنی متن‌بی به شمار می‌روند. دسته دوم اشعاری ظریف ولی کم‌اهمیت‌اند که جنبه صوری آن‌ها غالب است و خالی از اصالت‌اند و قصاید صریح شیعی ابوفراس که در آن‌ها به هجای عباسیان پرداخته قابل توجه است. لکن شهرت او بیش‌تر از همه مدیون «رومیات» یعنی اشعاری که هنگام اسارت سروده شده است. در این اشعار وی با بیانی مؤثر و فصیح آرزوی یک تن محبوس را به دیدن یار و دیار شرح می‌دهد. این اشعار همچنین محتوی فخریات، طعن به سیف الدوله به سبب تأخیر در پرداخت بهای آزادی او و نیز شکوه از غفلت دیگران در کار اوست. مضمون شعر او مدح، فخر و حماسه، نسیب و تشبیب و اندکی وصف است.

وقلنا القوم إخوان	صفحنا عن بنی ذهل
من یوما کالذی کانوا	عسی الایام أن یرجع
فأمسی و هو عریان	فلما صرح الشر

(المرزوقی، ۱۹۹۱: ۱۸۸)

از جمله دلاوری، سوارکاری، شجاعت، مناعت طبع، پاکدامنی، و اصل و نسب بزرگوار و شاعریتی سرشار و بیانی سحرآمیز او، آنگاه که افتخار می‌کند به توصیف شجاعت و درگیری‌اش در جنگ‌ها می‌پردازد و به پدران خویش می‌بالد و جنگ‌هایشان را برمی‌شمارد. وی راثیه بلندی دارد که به دوپست و بیست و پنج بیت می‌رسد که تمام ویژگی‌های او را در فخر و حماسه در بر می‌گیرد (ابوفراس، ۱۹۹۶: ۱۲۴-۱۴۸).

در این قصیده حماسی از رخدادها و جنگ‌ها بسیار سخن گفته است ولی بیش‌تر به بیان رخدادها همت گماشته و به وصف و تصویرسازی چندان توجهی نداشته است. قصیده با این مطلع دلکش آغاز می‌شود:

لعلّ خیال العامریة زائر  
فیسعد مهجور ویسعد هاجر  
تقول إذاما جئتها، متدرعا  
«أزائر شوق أنت، أم أنت ثائر؟»

- گویی یاد و خیال عامریه ملاقات کننده است و با این دیدار انسان مهجور و مهاجرت کننده شاد و سعادتمند می‌شود

- آنگاه او را که آوردم، زره پوشیده می‌گویی آیا تو ملاقات کننده دوستدارت هستی یا بر وی شورش کرده‌ای؟

### ابوتمام

حبيب بن اوس طائى (۱۸۸-۲۳۱ق/ ۸۰۴-۸۴۶م) شاعر بزرگ عرب. در زندگی و شعرش کم‌تر موضوعی می‌توان یافت که موجب گفت‌وگو و مشاجره میان محققان نشده باشد. خاندان مسیحی‌اش و نام تغییریافته پدر او، تبارنامه طائى که نزد برخی مورد تردید است. سفرهای بی‌شمار او از قاهره تا خراسان و تجددگرایی او در شعر، ابداع صنایع، تمایل به الفاظ غریب و کهن و در عین حال موفقیت در ساختن اشعاری دل‌انگیز، شهرت فراگیر، کسب ثروت‌های کلان و حسادت دیگر شاعران و... همه موجب شد که نظراتی سخت ضد و نقیض درباره این شاعر ابراز گرد، تعصباتی که به طرفداری یا بر ضد او پدیدار شد، بسیاری را به تدوین کتاب و رساله درباره او واداشت.

در سال ۲۱۵ ق مأمون عازم روم شد و با منویل (مانوئل) جنگید. نام این مرد در شعری که ابوتمام در مدح ابوسعید ثعربی سروده (عزام: ۱۷۱/۲) آمده است. سال بعد



مأمون باز به روم لشکر کشید. /بوتمام در قصیده‌ای که به خالد بن زید تقدیم داشته اشاراتی به تئوفیل، بلاد روم، دین نصارا و... (همان ۱۸۴/۱ به بعد) کرده که بعید نیست مربوط به همان جنگ باشد (بهییتی، ۱۴۱۲: ۱۰۹). در ۲۱۷ قمری مأمون به مصر رفت و پس از آرام کردن شورش‌ها به دمشق بازگشت و از آنجا دوباره به جنگ شتافت. در این هنگام /بوتمام قصیده‌ای را که به قول بهییتی نخستین قصیده‌اش در مدح یکی از خلفاست را سرود (عزام، ۱۴۱۱، ۵۸)

### شرح ادبی و شاعرانه فتح شهرها در آثار ادبی ابوتمام

ورود اعراب به سرزمین اندلس و فتح آن و حکومت‌اش در طی سال‌ها هیچ گاه با آرامش همراه نبود بلکه آن‌ها پیوسته با جنگ‌ها و درگیری‌ها و فتنه‌های بسیاری مواجه بودند که گریزی از آن نداشتند. در شعر این دوره وصف جنگ‌ها و درگیری‌ها قسمت عمده شعر اندلس را تشکیل می‌دهد چراکه مسلمانان هیچ شبی را در اسپانیا به صبح نرساندند مگر با جنگ یا درگیری و همواره میان آنان و غربیان درگیری بود. آنان از زمان ورودشان به اندلس تا زمان خروجشان هفتصد و سی جنگ داشته‌اند (بستانی، ۱۹۸۸: ۳).  
*ابوتمام* پیروزی لشکر امیر محمد بن الرحمن الاوسط بر لشکر دشمن در جنگ وادی «سلیط» را چنین توصیف می‌کند:

ومختلف الأصوات مؤتلف الزحف  
لهوم الفلا عبل القنابل ملتف  
إذا أومضت فيه الصوارم خلتها  
بروقاً تراءى في الجهام وتستخفي  
(ابن عبد ربه، ۱۹۸۷: ۲۲۱)

- چه بسیار فریادهای متفاوت و شمشیرهای کند و شکسته و اسب‌های ستبر و تنومند در هم می‌پیچند

- آنگاه که شمشیرها برق می‌زنند آن‌ها را نورهایی گمان می‌کنی که در تاریکی می‌درخشند سپس پنهان می‌شوند

یکی دیگر از ممدوحان /بوتمام و شیفتگان شعر او، اسحاق بن ابراهیم مصعبی بود که از جانب مأمون ولایت شهر بغداد را بر عهده داشت. اسحاق مصعبی یک بار به فرمان معتصم، به جنگ سرخ جامگان در ناحیه جبال رفت. در یکی از مدایح /بوتمام، به

دلآوری‌های اسحاق در جبل و سفر شاعر به سوی او، اشاره رفته است (عزام، ۱۴۱۲: ۲۰۸). از این رو شاید بتوان گفت که وی از شام به عراق و از آنجا به جبال رفته است (بهییتی: ۱۱۶-۱۱۸).

*ابوتمام* در اشعاری نبرد بر ضد شورشیان و پیروزی‌های *عبدالله* در مصر را ستوده بود. اینک شگفت نمی‌نماید که شاعر هنوز در عراق حامیان نیرومندی نیافته و به ثروت قابل ذکری نرسیده قصد دیار پر نعمت خراسان کند و به حاکم شعر دوست آن بپیوندد.

أظن دموعها سنن الفرید                      وهی سکان من نحر وجید  
اما والجواری المنشآت التی سرت              لقد ظاهرتها عدة وعدید  
(ابن هانی، ۱۹۹۶: ۷۹)

- سوگند به کشتی‌های برافراشته پرچم، که در حرکت‌اند و تجهیزات و نفرات، آن‌ها را یاری گیرند

- این کشتی‌ها شبیه کجاوه‌هایی هستند که در حرکت‌اند و زنانی درشت چشم بر آن سوارند، اما زنان بر آن سوار نشده‌اند، بلکه مردانی هستند مانند شیران بیشه

### نتیجه بحث

هنگامی که دین اسلام در سرزمین عرب استحکام پیدا کرد. مسلمانان به سرزمین‌های مجاور لشکرکشی کردند و باعث گسترش اسلام در آن سرزمین‌ها گردید. همزمان با لشکرکشی مسلمانان به سرزمین‌های دیگر و فتح و پیروزی آنان شعر فتوحات نیز به وجود آمد و شاعران اشعار حماسی زیادی سرودند.

شاعران شجاعت و دلآوری پهلوانان‌شان و جهاد در راه خدا را بسیار می‌ستایند و ندای پیروزی سر می‌دهند. این اشعار درباره جنگ‌هایی از قبیل قادسیه، یرموک، نهاوند، جنگ مابین طوایف معارض فرمانروایان، پیروزی در سرزمین‌های قبایل شورشی که قبلاً مسلمان شده بودند بیش از اشعار فتوح در دوره امویان و عباسیان به چشم می‌خورند.

شعر فتوح در حقیقت نمایان‌گر تصویر قدرت مسلمانان در جنگ و همچنین تصویرگر روحیه جنگاوران در میدان نبرد است که در صدر اسلام با مضامین دینی صیقل خورده و در دوره اموی با انگیزه اختلافات حماسی پیوند خورده و در دوره عباسی به دلیل دخالت

عناصر بیگانه همچون ترک‌ها، ایرانیان و رومیان همواره صحنه‌های نبرد را در شعر شاعران نشان داده است.

در عصر عباسی گرایش به نوگرایی گسترش یافت و ذوق ادبا تغییر کرد. دیگر کسی صبر و حوصله قصاید طولانی را نداشت. بنابراین به گلچین کردن قطعات برگزیده اکتفا کردند که بر اساس معانی شعر مرتب شده بود. قدیمی‌ترین این گلچین‌ها کتابی است با نام «حماسه» که *ابوتمام* آن را گرد آورد. او در بخش نخست این کتاب ابیاتی از اشعار ۲۶۱ شاعر که در آن‌ها مفاهیم حماسی وجود دارد آورده است.

بنابراین ادبیات عربی مانند ملت‌های ایران و یونان از شاهکار حماسی بلند بهره‌مند نمی‌باشد. آنچه در این ادبیات از آن به عنوان اشعار حماسی یاد می‌شود در واقع قصاید و قطعاتی است که بیش‌تر مبتنی بر بیان مفاخر قبیله و فرد، و ذکر پهلوانی‌های خود در میدان کارزار و یا رجزهایی است که پهلوانان در میدان جنگ می‌سرودند. در دوره‌های بعد نیز اشعار حماسی بیش‌تر به اشعاری اطلاق می‌گردد که در معنای فخر سروده می‌شدند و بیش‌تر در ضمن اشعار مدح، هجا و غیره ذکر می‌گردیدند.

سرودن شعر حماسی زمینه‌های خاص خود را می‌خواهد و با توجه به قدرت و ضعف این عوامل در دوره‌های مختلف تاریخ ادب عربی، این اشعار نیز قوت و ضعف داشته که در عصر جاهلی و اموی قوت و در عصر عباسی ضعف و انحطاط داشته است. اما در عصر حاضر دلایلی باعث گشت تا ادیبان و شاعران برجسته عرب به حماسه سرایی روی آورده تا خلأ موجود در این موضوع ادبی را پر نماید.

بنابراین شعر فتوح شعری غنایی است که حوادث در آن آنچنان که هست بازگو می‌شود اما در شعر حماسی حوادثی خارق‌العاده که از قدرت بشری خارج است بر زبان می‌آید و در بیش‌تر مواقع با خرافات و افسانه درآمیخته است.

## کتابنامه

- ابن اثیر، کامل. بی تا، **تاریخ بزرگ اسلام و ایران**، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- ابن سعد، محمد. ۱۳۷۴ش، **الطبقات الکبری**، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: فرهنگ و اندیشه.
- ابن عبد ربه الاندلسی، احمد بن محمد. ۱۴۰۲ق/۱۹۸۲م، **العقد الفرید**، ج ۵، به کوشش احمد امین و دیگران، بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن کثیر، اسماعیل. ۲۰۰۷م، **البدایة والنهایة**، بیروت- دمشق: بی تا.
- ابوعبیده، معمر. ۱۹۰۵م، **النقائض (نقائض جریر و فرزدق)**، ج ۱، لیدن بی تا.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر. ۱۴۱۷ق، **جمل من انساب الأشراف**، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، ج ۱۲، بیروت: دار الفکر.
- جاحظ، عمرو. ۱۳۸۴ق/۱۹۶۵م، **رسائل**، به کوشش عبدالسلام محمد هارون، ج ۲، قاهره: بی تا.
- دینوری، ابن قتیبه. ۱۳۸۰ش، **امامت و سیاست (تاریخ خلفاء)**، ترجمه سید ناصر طباطبایی، تهران: ققنوس.
- الدینوری، عبدالله بن مسلم بن قتیبه. ۱۹۸۵م/۱۴۰۵ق، **الشعر والشعراء أو طبقات الشعراء**، حقه مفید قمیحه، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- الذهبی، شمس الدین محمد بن احمد. ۱۴۱۳ق، **تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر والأعلام**، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، ج ۷، بیروت: دار الکتب العربی.
- راوندی، مرتضی. ۱۳۸۲ش، **تاریخ اجتماعی ایران**، ج ۲، تهران: انتشارات نگاه.
- الزرکلی، خیر الدین. ۱۹۸۶م، **الأعلام**، ج ۵، بیروت: دار العلم للملایین.
- سلام جمحی، محمد. ۱۳۹۴ق/۱۹۷۴ش، **طبقات فحول الشعراء**، به کوشش محمود محمد شاکر، ج ۲، قاهره: بی تا.
- سیوطی، جلال الدین. **المزهر فی علوم اللغه وأنواعها**، به تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم و دیگران، ج ۲، دار إحياء الكتب العربية.
- کحاله، عمر رضا. بی تا، **المعجم المؤلفین**، ج ۸، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

## Bibliography

Ibn Aitra full the great History of Islam and Iran Translation by Abolghasem Moghani and abbas Khalili Tehran scientific Press Volume 2

- Ibn sa'ad Muhammad al-taqbadq al-Karbi Translation of Mahmoud Mahdavi Damghani Tehran Culture and Thoughts 1995 Shamsi Volume 3
- Ibn Abd Rabb al-Andalesi Ahmmad al-Aqd-Farid in an effort by Ahmad Amin and others in Beirut Daralkabat al-Arabi 1402/1982 Volume 5
- Ibn Kathir Ismail al-Badayeh and Alanya Badayeh and Alanya Beirut Damascus Dibon Kathir 2007
- Abu'Abida Muammar Alnamehqat (defeats jerir and Farstaq) to the endeavor Bowen Lehne 1905 Volume 1
- The treasury of al-Adb is to attempt Abdul Salam Mohammad Aaron Cairo 1403/1983 Volume 1 461
- Blazari Ahmad Bin Yahya ibn jabber Janlam from Ensab Allahraf Research by Soheil Zarkar and Riyad Zarkalki Beirut Darulakfar Volume 12
- Ja'zad Amr Rasiel is trying Abdul Salam Muhammad Aaron Cairo 1384/1965 Volume 2
- Dinouri ibn al-Qatibah Imamate and politics of the history of the Khalafs Translation by Seyyed naser Tabatabai Tehran Phoenix 1380 Shamsi
- Al-Dinouri Abdullah ibn Musa al-Bin Qatibah al-Sha'r and al-Sha'ra are good practices in the city of Beirut dar al-Kabul al-Mamiyeh 1985/1405 319
- Al-Zahabi Shamsuddin Mohammad bin ahmad History and Islam and Wafiat al-Mashahir and al-alm research omar Abdul Salam Tad mari Beirut Dar al-kitab al-ARABI 1413 Volume 7
- Ravandi Morteza Social History of Iran Tehran Publishing Houst 1382 Volume 2
- Al-Zayr Kelly al-Din al-Alam Beirut Dar al-Alam Beirut Dar al-Alam Lamleyamin 1986 Volume 5
- Salam Mohammad Fahoul al-Sha'ra's Classes by Mahmoud Mohammad Shaker in Cairo 1974/1394 Volume 2
- Siouti Jalal al-Din al Mashur in Fiqh al Dahl and types corrected by Mohammad Abolfazl Ebrahim and others by Dariush Ahmad al-ABBIYAH Volume 2
- Kahaleh Omar Reza al-Mu'ajim Al-MOLEFIN Beirut Darri Ahya al-Terat Al-Arabi Volume 2

## **A study on the Styles of Conquering Poetry in the Famous poets' Poetries from the Islamic to Contemporary Era**

Maryam Hashemi: MA Student, Faculty of Arabic Language & Literature, Islamic Azad University, Ilam Branch

Rahim Ansari-poor: Assistant Professor, Islamic Azad University, Ilam Branch

### **Abstract**

With the spread of Islam, either through cultural promotion or developmental wars and combats, one can point to the growing influence of Islam on one hand, and on the other hand, the new cultural approach among writers, scholars, historians and poets in the field of social developments. One of the literary sections that has been influenced by the social and political developments of its period was the poetry. There were many poets during this period, such as Akhtal, Farzadagh, and Jarir in the Umayyad era, Al-Mutanabbī and Abu Tamam, who attributed the victories to the caliphs by describing the conquests in the form of warfare and the tactics of commanders and soldiers in most of their poems. There are direct and indirect references to the caliph and congratulations to him.

**Keywords:** combat, caliph, conquering poetry, Akhtal, Mutanabbī.